

زنان، جنگ و

امپریالیسم

الف. آناهیتا
بعد از حادثه یازده سپتامبر، امپریالیسم آمریکا زیر لوای مبارزه با تروریسم، سیاستهای خشن تری را در راستای تثبیت یک دیکتاتوری مدرن در سطح جهان به ویژه خاورمیانه آغاز کرد. ناهنجاریهای سیاستهای جنگ طلبی و نظامی گری بر دوش مردان و زنان زحمتکش سنگینی می کند. طوری که بر اساس آمارها و گزارشهای متعدد با وجود تشدید بیکاری و فقر حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی، سرمایه های بیشتری در دست کلان سرمایه داران این کشورها متمرکز شده است. از سوی دیگر، سیاستهای امپریالیسم در تشدید و گسترش عقاید واپسگرایی نژادپرستی و بنیادگرایی در سراسر جهان نقش بسزایی داشته و بسیاری از حقوق و آزادیهای فردی و دموکراتیک ملتها، نیروها و سازمانهای مترقی و عدالت خواه در سراسر جهان را مورد هدف قرار داده است.

تشدید فقر، بیکاری، تجدید قدرت عقاید عقب افتاده و پایمال شدن حقوق و آزادیهای دموکراتیک به خصوص در سالهای اخیر و کوشش برای پیشبرد طرحهای جنگ طلبانه و نظامی گری، بیش از همه موقعیت زنان و دستاوردهای جنبش جهانی زنان که حاصل کوشش و مبارزه مداوم آنان در طول تاریخ می باشد را به مخاطره انداخته است.

جرج بوش بار دیگر با توسل به ارزشهای سنتی و اخلاقی به مسند قدرت نشست.

بقیه در صفحه ۱۷

جامعه شناسی انقلاب فلسطین

بقیه از صفحه ۱۵

جدید بر تفکر " یک سونگرانه ای (Unilateralism) بنا شده که اصل پایه ای صلح در قبال زمین را مردود می شمارد. از این پس بر گرداندن سرزمین های فلسطینی به عنوان بخشی از مسئولیت وزارت کشور اسرائیل خواهد بود. این مدل جدید که به عنوان طرح " غزه " شارون نام گرفته، فقط در کادر دو هم پیمان آمریکا- اسرائیل به پیش خواهد رفت. اسرائیل پیشنهاد می دهد و طرح را می پروراند و با حمایت آمریکا به پیش می برد. و طرف سومی در کار نخواهد بود.

شارون از ابتدای رسیدن به قدرت، در راستای این سیاست، مذاکرات با فلسطینیها را قطع کرده است و در نتیجه و با احتساب این پارامتر آیا می توان انتظار داشت که رهبران فلسطین در جهت دموکراتیزه کردن جامعه فلسطینی راه حل " مشروعیت منطقی " را دنبال کنند؟ انقلاب فلسطین چنانچه اگر از این نقطه عبور کند، به سمت فرآیند دموکراتیزه و منطقی شدن میل خواهد کرد. چنین روندی می تواند در بطن خود از یک سو به پروسه سکولاریزه کردن جامعه فلسطینی کمک نماید تا وارد دام " بنیادگرایی مذهبی " از نوع خمینی و طالبان نگردد و از سوی دیگر، مانع انحراف انقلاب به وادی قهر، سرکوب و حذف دگراندیشان شود، شقی که در وضعیت مجموعه متشتت نیروهای فلسطینی و در سایه فقدان یک دولت قوی، زمینه های اجتماعی آن آماده است. ولی از آنجا که در حال حاضر چنین آلترناتیوی در کادر مجموعه نیروهای فلسطینی متصور نیست، راه حل عینی که باقی می ماند، قبول دوفاکتوی طرح شارون از جانب رهبران تکنوکرات فعلی ساف است که در آن صورت انقلاب فلسطین وارد فاز جدیدی خواهد شد که به طور محتوایی با گذشته متفاوت است.

نتیجه گیری

در پاسخ به سوالاتی که در آغاز این پژوهش مبنی بر چگونگی تداوم انقلاب فلسطین کرده بودیم، به طور فشرده باید گفت، تشکیلات خودمختار فلسطین به دلیل ضعفهای ساختاری بر شمرده از یک سو که در کانون آن فقدان یک رهبر کاریسماتیک قرار دارد و از سوی دیگر به دلیل عدم توانمندی در حل و فصل چالش مشروعیت در راستای دموکراتیزه کردن جامعه فلسطینی، در یک پروسه زمانی مشخص، ضمن پایان بخشیدن به جنبش انتقاصه، چنین به نظر می رسد که سرانجام برای بقای خود طی فرآیندی از درون استحاله و به غرب و آمریکا متوسل شود. به عبارت بهتر، فرسایشی شدن جنبش انتقاصه دو که نیروی محرکه انقلاب فلسطین است، علی الاصول باعث کاهش دینامیزم آن از نظر زمانی خواهد شد. به بیان جامعه شناسی، این استحاله برآیند فرسوده گی و سرخورده

گی توده های فلسطینی از پایین جامعه و یک اراده سیاسی از بالا است. مرگ عرفات به عنوان یک نقطه کیفی از فرآیند انقلاب فلسطین، زمینه مادی و تشکیلاتی مانور این اراده را فراهم نموده است.

منابع

- 1- Ian Kershaw, *Essai sur le charisme en politique*, Harmatan, Paris, 1992, pp: 10-30
- 2- کارل پوپر، جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۷، تهران
- 3- مثال بارزین نمونه، نوشته پرویز صیاد، هنرمند تاتر و سینما است که طی آن نظرات یک کارشناس آمریکایی را با زیرکی تمام بازتولید می کند. او با پنهان شدن پشت یک کارشناس، تلاش دارد به مارک تروریست علیه عرفات مشروعیت بخشد. ر.ک به سایت دیدگاه ۲۴ نوامبر ۲۰۰۴
- 4- روزنامه لوموند، پاریس، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۱۳
- 5- روزنامه لوموند، پاریس، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۱۳
- 6- Dobry Michel, *Sociologie des crises politiques*, Paris, Références, 1992, pp: 60-70
- 7- هانری مندراس و ژرژ گورویچ، مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پیرهام، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۲۵۳۶، ص: ۱۴۲-۱۵۰
- 8- روزنامه لوموند، پاریس، جمعه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۴
- 9- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تقضلی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱، ص ۷۲۵
- 10- ویژه نامه لوموند، ۱۳ نوامبر ۲۰۰۴، ص ۴۶-۶۰
- 11- فرهاد خسروخاور، جامعه شناسی انقلاب ایران، نشر بنیاد ملی فرانسه، پاریس، ۱۹۹۳، ص ۳۸-۸۰
- 12- در یک قیاس مع الفارق می توان این کارکرد را به خوبی در انقلاب ایران دید. خمینی به عنوان یک تجربه منفی از نهادینه شدن یک شخصیت کاریسماتیک قابل تامل و تعمق است. او با تخصیص دو مشروعیت برای خود - اولی با صعود به رتبه آیت الله و مرجعیت، مشروعیت خود را در ذهن توده های مردم از دهه های ۱۳۴۰ به بعد به طور سمبولیک ایجاد کرد و دومی با اتخاذ مواضع رادیکال در جریان جنبش ضد سلطنتی و دموکراتیک علیه رژیم شاه، در آستانه انقلاب، مشروعیت جامعه شناختی را نیز از آن خود ساخت - در آستانه ورود او به ایران، توده های مردم برایش فرش سرخ پهن کردند. اما چند ماهی از انقلاب نمی گذرد که رفته رفته بخشی از این مشروعیت طی یک فرآیند معکوس روانشناسانه از او رخت برمی بندد و به سوی قطب دیگر مذهبی یعنی طالقانی میل می کند. به طور طنز آمیزی، خمینی در بین برخی از جوانان رفته رفته محبوبیت کاریسماتیک خود را از دست می دهد (Décharismatise) اما در میان اقلیت حزب

الله، محبوبیتش در (Surcharismatise) حد امام صعود می کند.
مرگ زودرس و مشکوک طالقانی، مانع از این شد که وی بتواند با استفاده از محبوبیت اجتماعی خود یک تعادل دمکراتیک و نهادینه در مقابل افزایش قدرت افسار گسیخته خمینی ایجاد کند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:
فرهاد خسروخاور، جامعه شناسی انقلاب ایران، نشر بنیاد ملی فرانسه، پاریس، ۱۹۹۳، صفحه ۲۹۵-۳۰۴

- 13- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، جلد دوم، ترجمه محمود تقضلی، امیرکبیر، تهران، صص: ۷۳۳-۷۱۰
 - 14- جامی، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس، تهران، ص ۵۴
 - 15- شخصیتهای سیاسی در جریان "پروسه سیاسی شدن" خود مجهز به اندیشه ای می شوند که در مراحل بعدی حیات سیاسی خویش به عنوان منبع الهام فکری از آن استفاده می کنند. عرفات با توجه به فعالیت اولیه اش در اخوان المسلمین توانست از بُعد فرهنگی اسلام در فعالیت سیاسی اش استفاده کند. برخورد بردبارانه اش با مذاهب گوناگون، با الهام از سنت محمد در مدینه است. محمد پس از رسیدن به قدرت در مدینه، ضمن اعلام عفو عمومی، با اقلیتهای یهودی، مسیحی و ... پیمان صلح امضا کرد و حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی آنها را تامین نمود.
 - 16- روزنامه لوموند، پاریس، جمعه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۴
 - 17- ر.ک. ب. Piter James, *Canadien dimension*, مجله شماره ۶ دسامبر ۲۰۰۲. نبرد خلق طی شماره های ۲۱۲، ۲۱۳ و ۲۱۴ آنرا به چاپ رسانده است.
 - 18- ر.ک. ب. میزگرد با عنوان (پس از مانهاتن) در چارچوب کنگره سوم بین الملل مارکس، از ۲۶ تا ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱ در دا نگاه ناتر در پاریس
 - 19- مهندس بازرگان، جزوه خود جوشی
 - 20- هانری مندراس، ژرژ گورویچ، مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پیرهام، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۶، ص ۲۲۰-۲۲۵
 - 21- Luc Boltanski, *R. français. Sociol.*, 1973, pp: 3-26
 - 22- Le Petit Larousse, Ed, ۱۹۹۶, P. ۳۷۰-۱-۲۲ Larousse, Paris,
 - 23- روزنامه لوموند، پاریس، ۳ دسامبر ۲۰۰۴، ص ۲
 - 24- برای فهم بیشتر سلطه، ر.ک. ب. ماکس وبر، دانشمند و عالم سیاسی، پاریس، انتشارات پلون، ۱۹۵۹، ص ۱۱۰-۱۳۰
- در ضمن از آقای حسن ابراهیمی که با احساس مسوولیت، ویرایش این مقاله را به عهده گرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم.